

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه چهل و پنجم، ۱۱ آذر ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/قراردادهای آتی /احتمالات فقهی در قراردادهای آتی و اختیار معامله

1- حدیث اخلاقی (نسبت بین ایمان و عمل صالح)

قال علی (علیه السلام):

«الإيمان والعمل أخوان تؤمان و رفیقان لا یفترقان [1].»

حدیث، هم در غررالحکم است و هم در مجامع روایی دیگر است. یکی از فرمایش‌های بسیار گران سنگ و گران قدر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. و موضوع حدیث هم، ایمان و عمل است. یک نظریه بسیار مهم کلامی است که ایمان چیست؟ مرکب است یا بسیط؟ اگر مرکب است، مرکب از عمل است؟ یا از تصدیق است؟ یا از اعتقاد است؟ بحث کلامی مهمی است که ما نسبت به رابطه کلامی ایمان و عمل اشاره می‌کنیم؛ بحث مفصلی دارد؛ اما آنچه که مهم است، این است که طبق فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ایمان و عمل، همزاد و دو قلو و رفیق و همراه هستند و از یکدیگر جدا نمی‌شوند. این رابطه که حضرت با تمثیل بیان فرمودند، رابطه بسیار مهمی است؛ یعنی حضرت هم جواب مسائل کلامی و هم جواب مسائل سیر و سلوکی را دادند.

اینکه جواب مسائل کلامی دادند، چون حضرت می‌خواستند بفرمایند: «الإیمان هو الاقرار باللسان و عقد فی القلب و عمل بالارکان»؛ [2] عمل به ارکان، آخرین ویژگی ایمان است؛ و می‌توانیم بگوییم، فصل مقوم ایمان است. حضرت با تشبیه زیبایی، فرمودند: اینها دو قلو از هم جدا نشده هستند، و نمی‌شود جدا کرد، و حیات هر یک، بستگی به حیات دیگری دارد. در واقع، حضرت می‌خواهند بفرمایند که دین ما اصلی دارد و فرعی دارد.

1.1- تشبیه ایمان به درخت و اینکه ریشه، شاخه‌ها و میوه آن چیست؟

اگر قرار باشد تشبیهی داشته باشیم، مانند یک درخت است. در روایات هم هست؛ اصول کافی را ملاحظه کنید. ریشه‌های این درخت، اصول دینی ما است؛ توحید و معاد و نبوت و امامت و عدل است. و فروع این دین و شاخه‌های این دین به لحاظ مسائل سیر و سلوکی، اوصاف و فضایل اخلاقی است.

قطعا این درخت با این شاخه‌ها، میوه هم دارد؛ میوه آن، مقامات معنوی و قرب الی الله است. و برای ما میوه درخت، از یک مطلوبیت خاصی برخوردار است. در آیه شریفه ﴿أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ [3]. از این تشبیه، حضرت این مطلب مهم را می‌خواهند بیان کنند.

1.2- اتحاد ایمان و عمل صالح

کسی محضر امام صادق (علیه‌السلام) مشرف شد، از حضرت سوال کرد: «ألا تخبرني عن الإيمان، أقول هو وعمل أم قول بلا عمل؟ فقال: الإيمان عمل كله»؛ [4] حدیث، هم در کافی شریف و هم در سفینه البحار و بحار هست. ایمان، تمامش عمل است. ما اگر بگوییم معتقدیم و برای اعتقادمان هزینه نکنیم، مؤمن نیستیم. دشمن هم اول به سراغ اصول ما می‌رود و بعد به سراغ فروع می‌رود؛ و اگر اصول دین را بخشکاند، قطعا فروع دین را خشکانده است. اگر درختی ریشه‌اش خشک شود، نه تنها میوه ندارد، بلکه دیگر شاخ و برگ هم ندارد. دین در معرض آسیب است. عرض ما این است که همه چیز از توحید نشأت می‌گیرد. و منافق و کافر هم با توحید فعلی مسأله دارد. و حضرت می‌خواستند بفرمایند رابطه ایمان و عمل، یک رابطه جدانشدنی است؛ یک وحدت دارند. این وحدت، نتیجه‌اش یقین است؛ یعنی شک و تردید در آن نیست؛ لذا ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ [5] است؛ شک ندارد. شاید در رسالت شک کنند و شاید شاکی وجود داشته باشد، ولی شکی نیست؛ بین شک و شاک فرق است. ما باید برای این قسمت برنامه‌ریزی کنیم. اصول، نیاز به بستر دارد. بستر اصول دین ما، نمایش آن در اخلاقیات ما است. ظهور و بروزش در اخلاقیات ما است؛ برای همین ریشه‌های دین ما و ریشه درخت دین ما، ﴿أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ اصول دین است و شاخه‌های آن، معارف و فروع دین ما است. و اخلاقیات ما، میوه این درخت است که همه‌اش به تقرب الی الله برمی‌گردد. و قطعا کسی که عقیده و اخلاق داشته باشد و مراقب احکامش باشد، به نتیجه می‌رسد. رزقنا الله ایانا و ایاکم که بتوانیم آنچه که خیر دنیا و آخرت است، در آن برنامه‌ریزی کنیم و مراقب درخت معرفتی و دینی‌مان باشیم و مراقب شاخ و برگ و ریشه‌اش باشیم.

2- خلاصه جلسه گذشته

در انواع معاملات آتی بودیم. در مباحث بورس و اینکه آیا این معاملات، وجه شرعی دارد یا خیر؟ ما عرض کردیم معاملات، چهار قسم است: یا نقدی است، یا نسیه است، یا سلف و سلم، و یا هر دو مؤجل است. غیر از نقدی، سه قسم دیگر معاملات در آن، مدت است. یا ثمن مدت دارد، معامله نسیه می‌شود، یا مثن مدت دارد، سلف و سلم می‌شود، و یا هر دو مدت دارند که بحث در این قسم است که صحیح است یا نیست؟ ما در تحلیل بحث گذشته به این نتیجه رسیدیم که مؤجل، یک قسمش معامله کالی به کالی یا دین به دین است که

صحیح نیست. و فرق است بین عقدی که بر دین باشد و عقدی که دین داشته باشد - یا دینی که بالعقد باشد - با همین تعبیر دقیق ملاحظه کنید؛ یعنی گاهی شما معامله می کنید و می گوید: پولی که از فلانی دارید، بر ذمه من و ذمه من، بری به دینی که شما دارید و تسویه حساب می کنید. یک وقت این است؛ این خرید و فروش دین است. اما گاهی قرارداد می بندید که طبق این قرارداد، دین شما را من متقبل بشوم؛ پس گاهی مدت، دین است و گاهی مدت، به عقدی است که آن عقد نتیجه اش دین است. و فرقی نمی کند زمانش کوتاه باشد یا طولانی؛ حتی می تواند زمانی بگذارد که بیشتر از دینش باشد. و عرض کردیم که حتی می تواند مدت را به اقساط بگذارد؛ بگوید تا شش ماه می دهم، یا در شش ماه به یک قسط می دهم، یا چند قسط می دهم. و در معاملات آتی ظاهراً اتفاق های گوناگونی می افتد؛ اتفاقاتی می افتد که نیاز به بررسی و تحلیل دارد.

3- اقسام معامله های آتی: فیزیکی و اعتباری

از جمله معامله های آتی که در قراردادها می بندند، این است که بعضی از اینها کالای فیزیکی هم نیست و یک قرارداد است. و تسویه حسابش را در یک تاریخ مشخصی قرار می دهند. و مشکل دیگر که اینجا است این است که تسویه روزانه ای دارد. ما وقتی سؤال می کنیم معاملات آتی یعنی مدت دار و آینده و مؤجل برای چیست؟ فلسفه معاملات آتی این است که الآن برای تأمین آینده اش معامله می کند. گاهی از همان اول دو طرف معامله، تسویه نقدی می کنند و کالایی در کار نیست. گاهی تنها پول هم رد و بدل نمی شود؛ یک تعهدی و تسویه حسابی است با شاخص های روزانه و با تسویه حساب های روزانه منتها با جنس مدت دار و قرارداد مدت دار.

4- صور فقهی قراردادهای آتی

عرض ما این است که این قراردادهای آتی وقتی مراجعه می کنیم، می بینیم فروشنده و خریدار و معامله گری که فروشنده یا خریدار است، اعم از اینکه معامله گر با کارگزار باشد یا با بورس باشد، اینها تعهدی را امضا می کنند که در این تعهد، یک سری اشتغال ذمه هایی درست می کنند؛ به عبارت دقیق عرض کنیم که تعهداتشان، لوازم و توابعی دارد. اینجا باید ببینیم این تعهدی که امضا می کنند چیست؟

آیا یک معاهده است؟ خودش یک قرارداد است؟ اگر قرارداد است، بیع است؟ اگر بیع است، جزو کدام یک از اقسام آن است؟ قسم اول این است که آیا این قرارداد، قرارداد ابتدایی است؟ یا یک شرط ضمن عقد است؟ این هم قسم دوم؛ می گوید: من این جنس را به شما می دهم به این شرط، یا نه از همان اول، تعهدشان ابتدایی است؟ ابتدائاً متعهد می شوند.

5- مبانی فقها در تعهد ابتدایی

البته مبناى فقها در تعهد ابتدایی، دو قسم است: برخی تعهد ابتدایی را مانند امام جایز می‌دانند [6] و برخی می‌گویند: جایز نیست.

یا بگوییم تعهد است، ولی تعهدی است که از عنوان بیع خارج است؛ بلکه جزء عنوان هبه معوضه است. هبه دو قسم است: می‌بخشد بدون چشم‌داشت (هبه غیر معوضه)، و می‌بخشد با چشم‌داشت (هبه معوضه)؛ قلم را می‌دهد، کتاب را می‌گیرد.

پس در قراردادهای آتی احتمالات متعددی می‌شود:

1 خودش بیع است؛

2 خودش معاهده است؛

3 عهد ابتدایی است که طرفین ابتداء متعهد می‌شوند؛

4 یا به شرط ضمن عقد، عهد کرده‌اند؛

5 و یا به هبه معوضه‌ای تعهدی است که هبه هم می‌تواند عوضش، چیزهای مختلف باشد: یک جا کتاب است، یک جا خدمت است و یک جا تعهد می‌دهد.

6- لزوم بحث از وجوب یا عدم وجوب وفا در قراردادهای آتی در گام اول

عرض ما این است که اولین مطلب مهم، این است:

به هر یک از این احتمال‌ها باشد که معاهده است، و یا تعهد ابتدایی، یا شرط ضمن عقد و یا تعهد معاوضه‌ای و یا اباحه است، یا هرچه هست باید ببینیم آیا این واجب‌الوفاء است یا خیر؟ اگر این حل شود، خیلی از اشکال‌ها حل می‌شود. آیا چنین چیزی مشروعیت دارد یا خیر؟

عرض ما این است که قبل از استدلال به روایات که قبلاً داشتیم و احتمالات را تا الآن داشتیم و گفتیم که فرق است بین بیع دین به دین یا اینکه بیع سبب دین باشد، قبل از همه این احتمالات ما هستیم و مطلقاً کتاب‌الله عزیز و قرآن مجید:

7- مشمولیت آیه اوفوا بالعقود در قراردادهای آتی و لزوم وفای به آن

سوره مائده آیه اول: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾؛ [7]

7.1- آیه اوفوا بالعقود، بر اساس روایات، عهد را هم شامل می‌شود

آیا این عقد، واجب‌الوفاء است یا نیست؟ آیا این عقد، عهد هست یا نیست؟ در ضمن آیه شریفه، احادیث صحیح‌های داریم؛ تفسیر قمی را ملاحظه کنید؛

عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله (علیه‌السلام): «اوفوا بالعقود قال بالعهود [8]». «ما می‌بینیم مراد به عقود، عهود است. می‌توان گفت: کل عقد فهو عهد چون باید وفا در آن باشد؛ عرض ما این است که با کمال صراحت، آیه شاملش می‌شود و مشمول آیه هست.

یعنی قراردادهایی که در آن عهد باشد، چه عهد ابتدایی و چه ضمنی؛ در عهد ابتدایی عرض کردیم، دو مبنا است: که عهد ابتدایی را می‌شود بست یا باید عهد، مسبوق یک مطلبی باشد. اگر مبنای آن مثل حضرت امام ره این شد که عهد ابتدایی می‌شود بست، اشکالی ندارد.

در نتیجه قراردادهایی مانند قرارداد آتی و اختیار معامله و قراردادهای بازار مشتقه، مشمول آیه ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ می‌شود و در اینجا هم عقدش صحیح است و هم لازم‌الوفاء است.

7.2- خطابات قرآنی مثل اوفوا بالعقود شامل مؤمن و کافر می‌شود

پس اگر ما به سراغ مطلقات برویم، مطلقات شاملش می‌شود. البته عنایت دارید که ما یک روزی آیه ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ را در مباحثی بیان کردیم و آنجا گفتیم که ما تقلید مکلف را، به وجوب عقلی می‌دانیم نه به وجوب شرعی؛ يجب علی کل مکلف یعنی يجب به وجوب عقلی. عقل هم می‌گوید: اگر قرارداد بستند باید لازم‌الوفاء باشد. و خطابات را هم مانند میرزای قمی رحمه‌الله اعم از مؤمن و کافر می‌دانیم. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾، خطاب تغلیبی است نه تحقیقی؛ یا ایها المكلفون تحقیقی است؛ همه مکلفان، واجب است به قرارداد خود وفا کنند.

7.3- ملاک وجوب وفا به قراردادهای با کفار: مراعات حدود شرعی

طبق این مبنا شاید قرارداد با کفار هم در صورتی که خط قرمزها را فتح نکنند، ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [9] اگر این قاعده رعایت شود، قراردادهای با آنها هم واجب‌الوفاء است. و فقهای بزرگوار هم تمسک به این عمومات کرده‌اند: مانند صاحب جواهر و علامه در تذکره و شهید در مسالک و بعضی از بزرگان دیگر که کلماتشان را خواندیم که فرقی بین مسلمان و کافر نگذاشتند؛ یعنی در همه اینها واجب‌الوفاء شده است. و مستحضرید روایاتی را هم این چند روز خواندیم که در بیع العینه بود. می‌توانیم بگوییم معاملات آن زمان، همانند همین معاملات امروز است، یا معاملات امروز، همانند آنها است.

8- تعهد اعم از تعهد تملیکی و غیر تملیکی است

و با توجه به اینکه عهد و تعهد هم اعم است از اینکه عهد و تعهد تملیکی باشد، یا غیر تملیکی؛ چون توجه دارید در برخی از این معاملات بورس دارد که متعاملین و متعاهدین با یکدیگر، تصرفات را اباحه می کنند یا اختیاراتشان را اباحه می کنند؛ و همیشه تعهد تملیکی نیست؛ تعهد هم اعم از تملیکی و غیر تملیکی است.

9- وجوب وفا به تعهد بدون در نظر گرفتن نوع آن مادامی که حدود شرعی رعایت بشود

عرض ما این است که چه معاهده باشد چه تعهد ابتدایی باشد و چه تعهد ضمن عقد و چه شرط ضمن عقد باشد و چه پیمان نامه باشد و چه ضمانت نامه باشد، ما همه اینها را به این نتیجه می رسیم که واجب الوفاء است؛ مگر جایی که معاملاتی مشکل شرعی داشته باشد، یا به عبارت بهتر، خط قرمزهایی که شارع بیان کرده است، رعایت نشود؛ مثلاً کسی که تعهد به چیزی دهد که در اختیارش نیست یا چیزی که در آن ربا است. شاید بعضی تأمل داشته باشند که شاید این سودها، سود ربوی باشد. ما عرض مان این است که بین ربا و اینها تفاوت است. هر سودی، ربا نیست؛ بعداً می رسیم. به هر یک از این احتمالات که باشد، ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ آن را می گیرد و باید وفای به این قراردادها داشته باشد.

10- معاملات آتی جزء معاملات دین به دین نیست

و معاملات آتی و اختیار معامله، از قسم معامله دین به دین نیست؛ چون با معامله، خود را مدیون می کند و فرق است با اینکه در معامله، دین صورت بگیرد؛ یعنی به عبارت بهتر تعهدشان، پیمان نامه شان، ضمانت نامه شان، شرط ضمن عقدشان و حتی عقدشان، فعلیت دارد؛ اما دین آنها مدت دارد. و این دو مطلب است؛ با این مبنا اشکالی ندارد؛ بله اگر دین را به دین بفروشد، قطعاً شکی در حرمت آن نیست.

11- تذکری به مسئولین بورس

و ما از دست اندرکاران بورس تقاضا داریم، در انجام معاملات بورس، این توضیحات را برای معامله گرها بدهند که آنها بدانند که دارند تعهد را خرید و فروش می کنند که نتیجه آن تعهد، دین است. حالا دین مدت داری که یک ماه باشد، چند ماه باشد، چند سال باشد، اشکالی ندارد.

12- عدم وجوب وفا به تعهد در صورت نقض تعهد از طرف دیگر معامله

اگر تعهدی طرفینی بود که یک طرف وفا نکرد، برای طرف دیگر، وفا واجب نیست.

13- حکم طرفی که نقض عهد نکرده در صورت پیشمانی ناقض تعهد

اما اگر قراردادی مدت دار بود و طرف زیر معامله زد و بعد پشیمان شد، باید دید مدت وفا گذشته یا خیر؟ اگر مدت وفا نگذشته باشد، طرفینی است و تعهدش لازم الوفاء است. و تا مدت نرسیده باید هر دو به معاهده خود عمل کنند. لذا ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ را ما اعم از مدت دار و غیرمدت دار می‌دانیم؛ در نتیجه این تعهدات همه می‌تواند تحت عنوان ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ باشد. اگر هر یک از طرفین با عدم وفا ضرری زد، باید ضرر را جبران کند.

[1] غرر الحکم و درر الکلم، التیمی الآمدی، عبد الواحد بن محمد، ج ۱، ص ۹۵.

[2] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۲، ص ۲۷.

[3] ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۲۴.

[4] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۲، ص ۳۴.

[5] بقره/سوره ۲، آیه ۲.

[6] کتاب البیع، الخمی، السید روح الله، ج ۱، ص ۱۴۱.

[7] مائده/سوره ۵، آیه ۱.

[8] تفسیر القمی، القمی، علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۱۶۰.

[9] نساء/سوره ۴، آیه ۱۴۱.